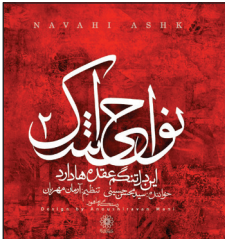


<span>نوا</span>
------------------

### انتشار قطعه موسیقی عاشورایی



باوفای ایشان به‌صورت صوتی و نماهنگ منتشر شد.

این قطعه در دستگاہ ماهور با خوانندگی سیدمحسن حسینی و تنظیم آرمان مهربان منتشر شده است. طراحی گرافیک این اثر را انوشیروان مانی به‌عهده داشته است. آلبوم نواحی اشک ۲ به همت مدیریت موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به مناسبت فرارسیدن محرم ۱۴۴۲ منتشر می‌شود، هدف از تولید این آلبوم بازسازی نواحی مذهبی – آئینی مرتبط با واقعه عاشورا ارج گذاری به هنر اصیل آوازخوانی مینتی بر ردیف آوازی موسیقی دستگاهی ایران است. در همین راستا آلبوم نواحی اشک ۱ در ماه محرم سال گذشته تولید شد و آلبوم نواحی اشک ۲ به مناسبت‌ماه محرم امسال تولید شده است. این آلبوم شامل ۱۰ قطعه اشک‌عزک این دل تنگم عقده‌ها دارد، ای سپرده در خرابه جان، ساقی لب تشنگان، طفلان مسلم، حضرت قاسم(ع)، حضرت علی‌اصغر(ع)، شه‌زاده اکبر(ع)، حضرت ابالفضل(ع) و عزیمت به شام است. آلبوم نواحی اشک ۲ به‌صورت صوتی و کلیپ در روزهای اول تا دهم محرم به‌صورت مجازی و عمومی انتشار یافت و پس از دهه اول محرم به‌صورت آلبوم در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

<span></span>
---------------

<span></span>
---------------

### رسانه

### برنامه‌های محرمی در رادیو

شبکه‌های صدای جمهوری اسلامی ایران برنامه‌های ویژه محرم امسال را بخشی می‌کنند.به گزارش همشهری،محسن حبیبی، مشاور معاون صدا و مسعود کاویانی، مدیر رادیو محرم روز گذشته طی یک نشست خبری به تشریح برنامه‌های محرمی معاونت صدا پرداختند. محسن حبیبی یادآور شد: در رادیوهای ۱۴ گانه ۲۱۷ عنوان برنامه به ایام محرم اختصاص پیدا کرده است که بیش از ۲هزار قسمت می‌شود. مشاور معاون صدا گفت: تیمی از رادیو-اکتون به کرپلا‌اعزام شده است تا مراسم را پوشش دهدیم؛ البته مراسم که در کشورهای اطراف و حتی آفریقایی برگزار می‌شود را سعی داریم بازتاب گرفتن با آنها اطلاع‌رسانی کنیم. رادیو حتماً بعد از سانسو‌عا و عاشورا مراسم‌های بزرگ کشور، مثل پیر غلامان حسینی(ع) را هم انعکاس خواهد داد.

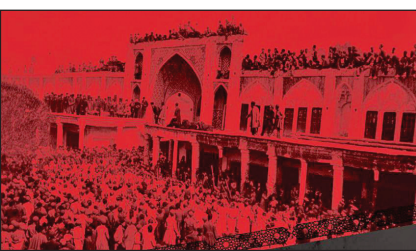
وی با اشاره به برنامه‌های رادیویی در این ایام گفت: برنامه «عشق است و آتش و خون» را در رادیو ایران داریم و همچنین برنامه‌های دیگری مثل «حسینیه ایران» را داریم. شبکه تهران نیز برنامه «حسینیه تهران» را دارد. «چکامه باران» از رادیو صبا، «ظهور روز هم» از رادیو فرهنگ، «قدسیان» از شبکه قرآن، «از سکوت تابوکیت» با محوریت رسانه‌های معاند و «ماه به روایت آه» در رادیو گفت‌وگو ازجمله این برنامه‌هاست.وی اضافه کرد: «ملت امام حسین» و «همنشین» از برنامه‌های رادیو معارف است. رادیو ورزش هم برنامه‌ای بانام «شور حسینی» دارد که به معرفی شهنای ورزشکاری می‌پردازد.همچنین در یکی از برنامه‌ها به ورزشکاران متولی هیئت‌ها پرداخته می‌شود.

<span></span>
---------------

### رویداد

### بررسی آئین محرم در تهران

نشست «آئین محرم در تهران» امروز با سخنرانی داریوش شهیازی و مسعود کوهستانی‌نژاد برگزار می‌شود. این نشست در ادامه سلسله نشست‌های تهران پژوهی است که به همت ستاد گردشگری و گروه تاریخ و باستان‌شناسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود و در این جلسه «محرم تهران در عصر ناصری» با حضور داریوش شهیازی، نویسنده و پژوهشگر و یویکرد عاشورایی در ادبیات عصر مشروطه تا سلطنت پهلوی» با حضور مسعود کوهستانی‌نژاد، نویسنده و پژوهشگر بررسی می‌شود.
علاقه‌مندان جهت شرکت در این نشست می‌توانند امروز تا ساعت ۱۷ الی ۱۸:۳۰ به خانه اندیشمندان علوم انسانی واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی پارک ورشو مراجعه کنند.
داریوش شهیازی، تاریخ‌پژوه استاد و مطالعات خود را در حوزه تاریخ ایران به‌ویژه عصر قاجاریسان و تاریخ تهران از دهه ۱۳۴۰ آغاز کرده و تاکنون بدان مشغول دارد. مسعود کوهستانی‌نژاد، پژوهشگر تاریخ ایران معاصر است و تاکنون کتاب‌ها و مقالات معتبری متعددی را وی به انتشار رسیده است. پژوهش‌های کوهستانی‌نژاد در حوزه تاریخ و اسناد، محیط وسیعی از سینما و مطبوعات و رمان تا تحقیق درباره شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی را دربرمی‌گیرد و هر یک از آثار او مرع محققان و علاقه‌مندان جدی تاریخ است.



## سوگواره



# مهارت استاد در ارادت به حضرت

مروری بر پرده «بار یافتن حضرت مسلم<sup>(ع)</sup> خدمت امام حسین<sup>(ع)</sup>» اثر فتح‌الله قوللر آقاسی

**گزارش**
**حافظ روحانی**
**روزنامه‌نگار**

حسین قوللر آقاسی سال ۱۲۶۹ متولد شده و در

سال ۱۳۴۵ درگذشت.

در دهه ۱۳۴۰ بود که مارگو گریگوریان تعدادی از آثار حسین قوللر آقاسی و محمد مدبر را خریداری کرد. همین موضوع باعث شد تا آثار این دو و دیگر نقاشان قهوه‌خانه‌ای مورد توجه هنرمندان مدرنیست قرار بگیرد. به واسطه این رخداد آثار این هنرمندان از خطر نابودی نجات یافت و تعدادی از موزه‌هااز جمله موزه رضاعیاسی ومجموعه تاریخی، فرهنگسعدآباد آثار این هنرمندان را خریداری کردند و به گنجینه‌شان افزودند. امروزه بخشی از آثار نقاشان قهوه‌خانه در این موزه نگاهداری می‌شود.

پرده کنونی یکی از نمونه آثاری است که به واقع مرتبط باقیام امام(ع) می‌پردازد. ابعاد این پرده نسبتاً بزرگ ۱۷۱در ۱۰۵ سانتی‌متر است. در مرکز اثر مسلم‌ابن عقیل و حضرت عباس(ع) را می‌بینیم که رو به سمت راست نگاه می‌کنند. در سمت راست مسجد مدینه نقاشی شده. در مقابل مسجد، تمثال امام حسین(ع) و حبیب‌ابن مظاهر را می‌بینیم و در گوشه راست پشت پیکر امام(ع)، حضرت قاسم(ع) و حضرت علی‌اکبر(ع) را می‌بینیم. در گوشه پایین و راست اثر و پایین‌تر از پیکر حضرت علی‌اکبر، حضرت زین‌العابدین(ع) را با کتابی در دست راست

می‌بینیم. لباس حضرت زین‌العابدین(ع) مشابه لباسی است که بر تن حضرت امام‌حسین(ع) دیده می‌شود. قوللر آقاسی از این طریق امامت و جانشینی حضرت زین‌العابدین(ع) را یادآوری می‌کند. همچنین می‌توان یکی از سنت‌های نقاشی قهوه‌خانه را در قیاس میان چهره حبیب‌ابن مظاهر

و تمثال چهره امام‌حسین(ع) و سایر اولیا در پرده دید؛ قوللر آقاسی به چهره حبیب‌ابن مظاهر اندکی حالت داده است، درحالی‌که تمثال اولیا معمولاً بدون حالت نقاشی می‌شده. در فاصله میان آپیکر مسلم و حضرت عباس(ع)، ۲ پیکر کوچک‌تر ۲ طفلان مسلم تصویر شده‌اند که چلیپا کرده‌اند. همچنین می‌توان دید که مسلم شمشیر و سپرش را به نشانه احترام و اطاعت از امام(ع) پیش پای‌اش روی زمین گذاشته است. علم هم در دست حضرت عباس(ع) است که جایگاه او در کربلا و لشکر امام(ع) را نشان می‌دهد.

قوللر آقاسی برای برقراری تعادل میان دو سمت پرده خیمه‌های سمت‌چپ را باطراحی کمینه‌گرای مسجد مدینه در سمت راست هماهنگ و باافزودن چند پیکره در سمت چپ تعادل را در پرده برقرار کرده است. به شیوه مر سوم نقاشی قهوه‌خانه، دور سسر اولیا هم نوری درپاره‌ای نقاشی شده که نشان قداست است. همچنین نقاش با نوشتن

نام‌ها در کنار پیکرها آنها را برای بیننده مشخص لیباسی است که بر تن نقاش «قم قوللر» و نام سفارش دهنده، «فرمایش عباس تکیه» در سمت چپ تابلو به چشم می‌خورد.

گفته می‌شود که قوللر آقاسی در نقاشی این پرده کاملاً پیرو روایات بوده است و کوشیده تا جزئیات را طبق روایت اجرا کند. چنانچه عده‌ای به قد کوتاه ساریان که پشت پیکر حضرت عباس(ع) قرار دارد ایراد گرفته بودند. به گفته هادی سیف از آنجا که در روایات از ساریان نام برده شده بود، قوللر آقاسی باید او را تصویر می‌کرده. اما نقاشی کردن او در ابعاد واقعی مشکلات طراحی ایجاد می‌کرده، او را به همین می‌زده است و پیکر او را هم طراز با پیکر ابعاد کوچک بر اهمیت پیکر اولیا تاکید بیشتری کرده است.

این اثر هم قدرت طراحی و رنگ‌آمیزی حسین قوللر آقاسی را نمایش می‌دهد و هم بسیاری از سنت‌های نقاشی قهوه‌خانه را در خود دارد. این اثر بدون تاریخ‌هم‌کنون در گنجینه موزه رضاعیاسی نگاهداری می‌شود.

### کتاب‌هایی برای شناخت و درک بهتر عظمت حماسه حسینی

## روایت واقعه

**شماش شامی**

کتاب «شماش شامی» واقعه عاشورا را از زبان یک غیرمسلمان مطرح می‌کند و همین موضوع بر جذابیت آن افزوده است. بی‌شک داستان اجازه ندارد تاریخ را تحریف کند اما این توان و ظرفیت را داراست که تاریخ را از زوایای نو به روایت بنشیند، گویی که آن را دوباره می‌آفریند. در این کتاب برهه‌ای از تاریخ مکرر، باز هم تکرار می‌شود و هنوز نامگر است. مجید قیصری در این کتاب به روایت واقعه عاشورا از زبان شماس که خدمتکار و محافظ مخصوص جلالت، از نوادگان حضرت داوود است می‌پردازد.

**دو امام مجاهد؛ امام حسن(ع) و امام حسین(ع)**

«دو امام مجاهد» مستعمل بر ۶گفتار از آیت‌الله خامنه‌ای است که در سال‌های ۵۱ و ۵۲ ایراد شده است. ۲گفتار اول کتاب، شامل ۲سخنرانی ایشان در فروردین سال ۵۱ است که در حسینیه ارشاد تهران انجام شده است. معظله‌در این جلسه که به مناسبت ایام شهادت

امام حسن(ع) در آخر ماه صفر برگزار شده، علاوه بر شرح نظر به «سالان ۲۵۰ساله» به جایگاه والا و مهم امام حسین(ع) در این دوران و چرایی دست کشیدن از جنگ و علل پذیرفتن آتش‌پس و بیان تفوت شرایط امام حسن(ع) و امام حسین(ع) پرداخته‌اند. گفتار سوم تا پنجم اثر، اختصاص به ۳سخنرانی ایشان در شب تاسوعا، عاشورا و شام غریبان محرم ۱۳۹۴ هجری قمری (مصادف با بهمن ۱۳۵۲) با موضوع «تحلیل قیام حسینی» دارد. در گفتار چهارم به اهداف قیام حسینی اشاره و برای روشن شدن مطلب به تحلیل ریشه‌های آن می‌پردازند. در گفتار پنجم پس از مرور سریع مباحث ۲گفتار قبل، به دوران امام حسین(ع) و اقدامات ایشان اشاره می‌کنند. نکته جالب توجه در این گفتار، قسمت پایانی آن است که با دعوت مخاطب به تفکر در اهداف قیام امام حسین(ع) با نقل داستان «طوطی و بازرگان» همگان را به انقلاب بر ضد یزدیان دعوت می‌کنند.



«جاذبه حسینی» گزیده بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۲موضوع حضرت زینب کبری(س) و اربعین حسینی است که به کوشش مؤسسه فرهنگی لوح و قلم و در انتشارات انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده است. در این مجموعه سعی شده است که مطالب مرتبط با هر ۲موضوع، تدوین شود. ناگفته پیداست که بخش زیادی از محتوای این ۲موضوع ارتباط مفهومی صریح و کاملی با یکدیگر دارند. بنابراین تجمیع ارائه آنها در یک مجموعه حائز اولویت بوده است. کتاب جاذبه حسینی، رهنمودهای ارزشمند رهبر معظم انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ در ۲موضوع زینب کبری(س) و اربعین است که از کتاب مرجع امام حسین(ع) تحت‌عنوان آفتاب در مصاف استخراج شده است.



**چهار گفتار در تبیین زمینه‌ها، علل و آثار حادثه‌ی عاشورا**

این کتاب شامل ۴سخنرانی حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی است که با توجه به موضوع مشترک تمامی آنها یعنی تبیین و تحلیل زمینه‌ها و عوامل مؤثر در بروز حادثه عاشورای سال ۶هجری قمری در کربلا، اینک به صورت مجموعه منتشر می‌شود.

در تمامی گفتارهای چهار گانه هدف از این مباحث توجه دادن جامعه اسلامی به عوامل بروز انحراف جامعه صدر اسلام به‌منظور جلوگیری از تکرار فاجعه عاشورا در دوران معاصر است.

**همرزمان حسین**

در کتاب «همرزمان حسین»، ۱۰ گفتار از حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تحلیل مبارزات سیاسی امامان معصوم(ع) می‌خوانید. در بخشی از مقدمه کتاب آمده: عالمان و اندیشمندان مسلمان وغیرمسلمان،تحقیقات گسترده‌ای را به‌منظور تحلیل دوران ۲۵۰ساله امامت ائمه معصوم(ع)انجام دادند.برخی به کلی غلط را پیموده‌اند و این بزرگواران را به مرتبه عالمان و عابدان زمان خود تقلیل داده‌اند و هر گونه تأثیر اجتماعی وساسی‌را از ایشان سلب کرده‌اند.

## همیشه‌گری

<span>داستان</span>
---------------------

بخشی از رمان «وقتی دلی»

روایتی از زندگی مصعب اثر محمدحسن شهسورای

### ۴۰روز بعد از واقعه

مُصعَبِبنِ عُمَیر، یکی از صحابه پیامبر اسلام(ص) واز نخستین مسلمانان بود که به حبشه هجرت کرد. مصعب نخستین نماینده رسمی پیامبر(ص) برای تبلیغ اسلام و نخستین کسی است که نماز جمعه را در مدینه به پا داشت. او از جانب پیامبر(ص) به «مصعب‌الخیر» ملقب شُشد و سرانجام در جنگ احد به شهادت رسید. این رمان در سال ۱۳۹۱توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شد و تاکنون ۸بار تجدید چاپ شده‌است. روایت مدرن از تاریخ اسلام و شیعه در میان ادبیات معاصر فارسی کم‌دیده‌شده‌است. به‌عنوان یک نمونه قابل توجه که با استقبال خوانندگان هم‌روبه‌رو شده، بخش افتتاحیه این رمان را که به تاریخ شُخ‌نیز توجّه دارد، مرور می‌کنیم. در این بخش از رمان جعفرابن‌ابیطالب(ع) و همراهان ۴۰روز پس از عاشورا به کربلا بر گشته‌اند.

… همه جمعست دور و بر عبدالله بودند به جز پیرزن و رافع که کمی دور تر ایستاده بودند، اما به او گوش سپرده بودند. عبدالله ادامه داد: «هر سه سردار اسلام در آن جنگ شهید شدند که ضربه سختی برای مسلمانان بود. خبر که به مدینه رسید، پیامبر بسیار در اندوه فرو رفتند. به‌خطر دارم که من نوجوانی بیش نبودم و همراه مادرم اسماء و

برادرم در مسجد قبا به دیدار ایشان رفتیم. هنگامی که رسول‌الله ما را دیدند تا مرگ پدرم را تسلیت بگویند، به‌صورت مبارک‌شان نگاه می‌کرد. در حالی‌که بر سر من و برادرم دست می‌کشیدند، چشمانش‌شان پر از اشک شد و قطره قطره بر محاسن مبارک‌شان می‌چکید. رو به آسمان کردند و فرمودند: خداوند! جعفر بهترین و نیکوترین پادشاه را به من عطا کرده، ذریه و بازماندگان او را مستدام بدار که چنین لطفی در حق هیچ‌یک از پندگانت نکرده‌ای.»عبدالله با چشم‌مالی پر از اشک ادامه داد: «سپس به مادرم رو کردند و فرمودند: اسماء! یا به تو بشارتی دهم؟ مادرم عرض کرد: پدر و مادرم قربانت گردند، ای رسول‌الله. به گوش جان می‌شنوم. پیامبر فرمودند خداوند دو پال به جعفر عطا کرده است تا در بهشت با آنها پرواز کند. سپس پیامبر برخاستند و درحالی‌که با دست دیگرشان سرم را نوازش می‌کردند، دستم را گرفتند و بر بالای منبر رفتند و مرا مقابل خود روی پله پایین منبر نشانند. غم و اندوه تمام وجودشان را فرا گرفت.»بود.

سخنان عبدالله که به اینجا رسید، صدای گریه‌های بلند رافع همه را به‌خود جلب کرد. به پهنای صورت می‌گریست. همه نزدیک او شدند. عبدالله به او خیره شد: «و راجه می‌شود جوان‌در سن و سالی نیستی که پدرم را بشناسی که این چنین بر مرگ او می‌گریم؟»

رافع اندکی آرام شد و پاسخ داد: «اگر چه گریه بر شهادت پدرت خطا نیست، اما راست می‌گویی. من او را هیچ‌گاه ندیده‌ام، اما پسرانت را چرا… آنها را در دشت کربلا خوب دیده‌ام و بر شهادت آنها می‌گریم.»

همه بسیار متعجب، به او نزدیک‌تر شدند. عبدالله داماد علی و همسر زینب بود. او ۳پسر در کربلا داشت که اینک که پیش از ۴۰روز از آن واقعه می‌گذشت، باخبر شده بود آنان و ۷۰تن دیگر به شهادت رسیده بودند. اماکنون متعجب بود که این مرد کیست و در آنجاچه می‌کرد. برای همین با تعجب به رافع گفت: «حرف بزن جوان… کیستی؟ اهل مدینه که نباید باشی.»

–درست می‌گویی، اهل اینجانستم. من روسیاهه اهل مردم بی‌وفای کوفه هستم که به طمع پول راه بر فرزند رسول خدا، حسین بن علی بستند، آب را از فرزندان او دریغ کردند و نیزه‌ها و شمشیرها و عمودهایشان را از خون ایشان سیراب کردند. جوانان زیادی در شمشیر کشیده، به سمت رافع خیز برداشتند. رافع که ترس زایع در چشماش دیده نمی‌شد و گویا از ناامیدی مطلق چنین خونسرد بود، به آن رو کرد: «اما به روح شهدایی که در اینجا هستند قسم، که من در آن کشتار دست‌نذاشتم و برای همین به مدینه آمدم که بر مزار پیامبر توبه کنم که چرا در برابر مرگ فرزندان سکوت کردم و جان حقیر خود را زنده، از آن صحرا محشر برداشتم.»

عبدالله جوانان را کنار زد و به رافع گفت: «شنیده‌ام که کوفیان چه بر سر حسین بن علی، پسر عمویم، آورده‌اند. حال که مرا شناختی، از پسرانم بگو.»

–اینک تو را شناختم. تو پسر جعفر طایر، پسر عموی پیامبری… علی بن ابوطالب عموی توست و زینب کبری همسر تو و عون و محمد پسران تو بودند.

رافع اندکی سکوت کرد. به آسمان که خورشید از گوشه آن برمی‌آمد نگاه کرد و پس از مدتی به سخن آمد: «در صحرا ی کربلا و در آن دشت بلاخیز، جنگ امام با یزیدیان آغاز شد و باران شجاع آن حضرت یکی پس از دیگری به نبرد برخاستند تا اینکه نوبت به عون بن عبدالله رسید. عون وارد میدان مبارزه شد و رجز خواند. عون سوار بر اسب، یک‌ه و تنها گفت: اگر مرا نمی‌شناسید، بدانید که من فرزند جعفر، شهید راستینی هستم که در بهشت با رخساره مرزا پس است. عون مانند شیری غران به سپاه این‌ز یاد حمله برد. تعداد زیادی از آنان را به هلاکت رساند تا اینکه دشمنان از هر سو او را فرا گرفتند و به شهادت رساندند. پس از آن نوبت به نبرد برادرش، محمد رسید. پایه میدان نهاد و رجز خواند. شکایت می‌کنم به خدا از دشمنانش… از اعمال قومی که در جهل و نادانی به‌سرمی‌بند. همانا راهنمایی و نشانه‌های قرآن را عوض کردند و آیات محکم و روشن الهی را ترک کردند و کفر و طغیان و گردن‌کشی را پیشه خود کردند. محمد شروع به قتال کرد. همان‌گونه که پسر عموش ابوالفضل، می‌چنگید. تا اینکه از هر سوی دشمنان او را محاصره کردند و او را به شهادت رساندند.»

سخنان رافع که به اینجا رسید، همه، از زن و مرد و پیر و جوان می‌گریستند و رافع بیشتر از همه. مدتی به همین حال گذشت تا رافع اندکی خود را آرام‌گسرد و رو به عبدالله گفت: «اما آنچه از همه جاسوس‌تر بود این بود که همسرت، زینب کبری، فرزند علی، در آن میانه هول و هراس، نمی‌توانست گریه کند. چشم کودکان بنیم به او بود و او خون می‌خورد و دم بر نمی‌آورد تا شاهد باشد که ذلیل‌ترین مردمان زمین، عزیزترین‌کسان را به اسارت شام می‌برند.»

باز چشمان همه بر اشک شد. زنان بر صورت پنجه می‌کشیدند و مردان بر پیشانی می‌کوفتند، و ساعتی به همین حال گذشت…